

به کمپین آزادی محمود صالحی پیوندید!

بهرام رحمانی

bamdadpress@ownit.nu

کمپین آزادی محمود صالحی، این فعال سرشناس جنبش کارگری، سخنگوی «کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل مستقل کارگری»، دبیر سابق اتحادیه خبازان در شهر سقز و برای آزادی برگزاری هر چه گسترده تر مراسم غیردولتی اول ماه مه در ایران، هر روز وسیع تر می شود. شما هم از هر طریق ممکن به این کمپین پیوندید!

روز دوشنبه بیستم فروردین ۱۳۸۶ برابر با نهم آوریل ۱۳۸۶، نیروهای امنیتی حکومت اسلامی ایران، محمود صالحی را در شهر سقز دستگیر و به زندان شهر سنندج انتقال می دهند.

محمود صالحی، از زندان سنندج، در نامه ای به آقای گای رایدر، دستگیری خود را چنین تشریح داده است: امروز ۲۰۰۷/۰۴/۱۲ امکان یافتن تا از زندان سنندج با یکی از رفقایم تماس تلفنی بگیرم. طی این تماس از وی خواستم تا از طریق این نامه چگونگی ربودن مرا به اطلاع شما برساند.

روز دوشنبه ۹ آوریل در محل کارم، یعنی شرکت تعاونی مصرف کارگران سقز، مشغول انجام وظایفم بودم که یکی از فرماندهان حفاظت اطلاعات نیروهای انتظامی سقز در ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه به وقت ایران وارد شد و گفت که آقایان فرماندار و دادستان می خواهند تا در مورد مراسم اول ماه مه سقز با من مذاکره کنند، از آن جا که این شخص بارها شخصا به محل کارم آمده و مرا برای مذاکره با کاربدستان دعوت کرده بود دچار هیچ شکی نشدم و همراه وی رفتم. وقتی به آن جا رسیدم متوجه شدم که نه دیدار با فرماندار و دادستان مطرح است و نه مسئله مراسم اول ماه امسال. در آن جا یکی از کار بدستان قضائی حکم دادگاه تجدید نظر را به من شفاها اعلام کردند که طی آن به یک سال حکم تعزیری در زندان و سه سال حکم تعلیقی محکوم شده‌ام. من به شیوه فریبکارانه دستگیری خود اعتراض کردم و آن را مخالف شان انسانی دانسته و از امضا کردن آن خوداری کردم. من هم گفتم که این حکم باید به دست وکلایم برسد یا از طریق مامور ابلاغ به در خانه ام آورده شود بعد از تفتیش بدنی من را به سرعت از دادگاه بیرون آورده و سوار ماشین کردند و با سرعت سرسام آوری ربودند. بعد از چند ساعت متوجه شدم که به زندان مرکزی سنندج برده می شوم. آن ها به این ترتیب اجازه ندادند تا من با همسر عزیز و بچه‌های نازنینم خدا حافظی کنم و حتی اجازه ندادند داروهایم را بردارم. بدون شک خبر دارید که یکی از کلیه های من از کار افتاده و کلیه دیگرم در حال از کار افتادن است و بدون آن داروها و مداوای مداوم جانم در خطر خواهد بود. این در عرف انسانی چه معنایی دارد؟ آن ها من را صرفا به خاطر تلاش برای برگزاری روز جهانی خود و هم طبقه‌نی هایم محکوم کرده‌اند و در عین حال جرات نمی کنند من را به صورتی معمولی احضار کنند. آن ها مرا می ربایند تا از خشم کارگران و مردم آزاده و از اعتراض در امان بمانند.

در واقع دستگیری من سه هفته قبل از اول مه ۲۰۰۷ یک اقدام سیاسی است و نه قضائی. آن ها مرا در این شرایط معین دستگیر کرده اند تا برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه امسال دچار مشکل شود و تلاش کارگران ایران برای ایجاد تشکل های مستقل از دولت دچار سستی گردد. اما آن ها از این نکته غافلند که من متعلق به یک جنبش اجتماعی - کارگری هستم. آن ها غافلند که من و سایر فعالین کارگری و مردم مبارز به شیوه جمعی کار می کنیم. این جنبش با این شیوه کار همیشه این امکان را دارد تا جای خالی افرادش را پر کند. حتی این احتمال وجود دارد که فعالین جنبش کارگری در چنین شرایطی بر میزان فعالیت خود به لحاظ کمی و کیفی بیفزایند و مراسم مستقل روز جهانی کارگر را با شکوه تر از قبل برگزار کنند. این امکان وجود دارد که تلاش برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری مضاعف شود.

ضروری دانستم این نامه را برای شما بفرستم و شخصا شما را در جریان وقایع بگذارم. از روزی که در اول مه ۲۰۰۴ من و همکارانم را دستگیر کردند تا امروز در داخل و خارج تلاش ها، اعتراضات و مبارزات زیادی صورت گرفته است تا قوه قضائی ایران عقب نشانده شود. آن ها در ابتدا ما را منتسب به سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه‌له) کردند و به خطر انداختن "امنیت ملی" را در پرونده ما وارد کردند. مبارزه وسیع نهادها و تشکل های کارگری در ایران و جهان کاربدستان قوه قضائی را واداشت از این گونه پرونده سازی ها دست بردارند. به عبارت دیگر مبارزه گسترده داخل و خارج پرونده سازان را کیلومترها به عقب نشانده. اما این مبارزه لازم است تا تبرئه کامل ما و تحمیل حق برگزاری مراسم مستقل روز جهانی کارگر در سراسر ایران ادامه یابد. من شکی ندارم که شما همچنان نقش شایسته و قابل ستایش خود در این مرحله را نیز ادامه خواهید داد. ارادتمند محمود صالحی. رونوشت: آنا بیوندی، جانکس کوچکیویچ»

لازم به یادآوری است که آقایان محمود صالحی، جلال حسینی، محسن حکیمی، اسماعیل خودکام، برهان دیوارگر، محمد عیدی پور و هادی تنومند، در روز اول ماه مه ۱۳۸۳ - ۲۰۰۴ دستگیر و پس از تحمل ۱۲ روز زندان و شکنجه آزاد شدند. اما دادگاه شهر سقز در این سال ها، آنان را به عناوین مختلف به بی دادگاه های تفتیش عقاید خود کشانده است.

همچنین به یاد داریم که برای آزادی این فعالین جنبش کارگری و به طور کلی دفاع از مبارزات کارگران ایران، در داخل و خارج کشور، کمپین وسیعی راه افتاد که نه تنها جنبش کارگری ایران را در جامعه ایران بیش از پیش مطرح کرد، بلکه در سطح جهانی نیز با شناساندن جنبش کارگری ایران، همبستگی وسیعی را با این جنبش به وجود آورد. بعلاوه مهم تر از همه این هفت فعال جنبش کارگری، نه تنها مرعوب سیاست های ضد کارگری حکومت اسلامی نشدند، بلکه دست اندرکار سازمان دهی تشکل های مستقل ضد سرمایه داری کارگری هستند و تاکنون در ده ها اعتراض و اعتصاب، سخنرانی، مصاحبه رادیویی، جلسات پاکتاکسی و سمینارها شرکت کرده اند و مقالات و تحلیل های کارگری نوشته اند تا از دید خود معضلات و مشکلات کارگران را مورد تحزیه و تحلیل و بررسی قرار دادند و راه برون رفت از این وضعیت را نیز در پیش پای جنبش کارگری کمونیستی گذاشتند. افق و چشم انداز این رفقا، برپایی تشکل مستقل ضد سرمایه داری طبقه، برگزاری آزادانه و غیردولتی مراسم اول مه، با اتکا به نیروی مستقیم خود توده کارگران است. چرا که کارگران نیک می دانند همه مصایب و معضلات هم طبقه ای های آن ها و به طور کلی جامعه ایران، ناشی از عملکرد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی سیستم سرمایه و حکومت حامی سرمایه است. بنابراین، امروز بدون مبارزه پیگیر علیه سرمایه داری و با اتکاء به سوسیالیسم پرولتاری نمی توان حتی مطالبات صنفی و رفاهی کارگران را به سرمایه داران تحمیل کرد.

در چنین شرایطی، دستگیری مجدد محمود صالحی، صدور حکم محسن حکیمی، برهان دیوارگر و جلال حسینی، آن هم در آستانه برگزاری مراسم اول ماه مه، نشان دهنده این واقعیت است که حکومت جمهوری اسلامی ایران، هراسناک از فعالیت فعالین و پیشروان جنبش کارگری برای برگزاری هر چه گسترده تر مراسم اول ماه مه است. از این رو، در تلاش است تا با ایجاد فضای رعب و وحشت مانع برگزاری مراسم اول ماه مه امسال در ایران شود. بنابراین، مبارزه برای آزادی محمود صالحی و برگزاری هر چه گسترده تر و با شکوه تر مراسم اول ماه مه در ایران، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

بدین ترتیب، احکام غیرانسانی دادگاه سقز بر علیه دستگیرشدگان اول ماه مه ۱۳۸۳، نه تنها برای خاموش کردن صدای حق طلبی و اعتراضی این فعالان شناخته شده جنبش کارگری ایران است، بلکه برای مرعوب کردن کل جنبش کارگری ایران و به ویژه حرکت های رادیکال کارگران است که برای گرفتن حق و حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود علیه سیستم سرمایه داری و حکومت حامی سرمایه به مبارزه همه جانبه ای برخاسته اند. بنابراین، دادگاه تفتیش عقاید جمهوری اسلامی، این هفت فعال کارگری را تنها به «جرم» برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه محکوم کرده است. از این رو، تلاش برای لغو بی قید و شرط این احکام، وظیفه سیاسی، اجتماعی و انسانی همه سازمان ها، احزاب کارگری سوسیالیستی و همه انسان های آزادی خواه و انسان دوست است. تشکلیابی مستقل کارگران، تجمع و اعتصاب، آزادی بیان و آزادی برگزاری اول ماه مه، حق طبیعی و مسلم کارگران و مردم محروم و ستم دیده ایران است.

می دانیم که دور کردن فعالین عملی و رهبران جنبش کارگری از توده کارگران، لطمات زیادی به جنبش کارگری وارد می سازد و روحیه عمومی کارگران را تضعیف می کند. حداقل برای یک دوره دیگر تشکل یابی مستقل کارگران، به ویژه گرایش رادیکال و ضد سرمایه داری را به تعویق می اندازد. از این رو، آزادی محمود صالحی، لغو احکام صادره علیه فعالین جنبش کارگری ایران، تاثیر به سزایی در مبارزه و تشکل یابی کارگران دارد.

مسلم است که قبل از هر کس ما کارگران و کمونیست ها به وجود چنین فعالان کارگری به خود می بالیم. همچنین وظیفه انسانی، اجتماعی و سیاسی خود می دانیم که از همه امکانات موجود و در دسترس مان برای افشای هر چه بیش تر سیاست های ضد کارگری جمهوری اسلامی، و لغو احکام صادره علیه فعالین جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی برابری طلب استفاده کنیم.

در چنین شرایطی، نهادهای دموکراتیک، روشنفکران مترقی، تشکل های کارگری و احزاب سیاسی چپ و سوسیالیست ایران و جهان برای آزادی محمود صالحی و لغو احکام صادره بر علیه فعالین جنبش کارگری ایران تلاش می کنند، باید به نوعی مبارزات داخل و خارج کشور را بدون کم ترین تنگ نظری و سکتاریسم تقویت و هماهنگ کرد.

نخستین حرکت برای تشکیل کمیته دفاع از دستگیرشدگان سقز را همسران دستگیرشدگان آغاز کرده بودند. خانم ها عایشه جهانپور، همسر جلال حسینی؛ نجیبه صالح زاده، همسر محمود صالحی؛ لطیفه قیطاسی، همسر محمد عیدی پور؛ منیژه گازرانی، همسر محسن حکیمی، با انتشار اطلاعیه مشترکی در تاریخ ۸۴/۹/۲، کمیته ای به نام «کمیته دفاع از حقوق دستگیرشدگان اول ماه مه»، از کارگران، مردم شریف و آزاده درخواست کرده بودند که به این کمیته بپیوندند. آن ها در

اطلاعیه خود، از جمله نوشته‌اند: «همسران ما انسان های شریف و زحمت کشی هستند که جز دفاع از حقوق حقه خود و سایر کارگران هیچ قصد دیگری نداشته اند، و همواره خواستار يك زندگي آزاد و انسانی و فارغ از فقر، بی کاری، بی حقوقی و بهره کشی بوده‌اند. ما به تلاش آن ها افتخار می‌کنیم، از زندگي با چنین انسان هایی به خود می‌بالیم و احکام محکومیت آنان را عین بی عدالتی می‌دانیم. ما باصدای بلند به احکام ناعادلانه اعتراض می‌کنیم و از همه کارگران، سازمان ها، نهادها و تشکل های کارگری، و از همه آزادی خواهان و حق طلبان می‌خواهیم که با ما و فرزندانمان هم صدا شوند و به این احکام ناعادلانه اعتراض کنند...»

همچنین تاکنون ده ها تشکل و نهاد کارگری طی بیانیه مشترکی دستگیری محمود صالحی را محکوم کرده اند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط او شده اند. بخشی از بیانیه و تشکل هائی که آن را مشترک صادر کرده اند عبارتند از:

«محاکمه و دستگیری محمود صالحی دهن کجی به طبقه کارگر و زیر پا گذاشتن بديهی ترین حقوق میلیون ها کارگر در رابطه با برگزاری مراسم اول ماه مه است و ما کارگران در قبال آن سکوت نخواهیم کرد. ما برگزاری مراسم اول ماه مه را حق مسلم خود می‌دانیم و امسال با شکوه تر از همیشه به استقبال آن خواهیم رفت.

ما امضاء کنندگان این بیانیه با محکوم کردن محاکمه و بازداشت محمود صالحی، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط وی هستیم و از عموم کارگران و تشکل های کارگری می‌خواهیم تا به طور یک پارچه ای نسبت به دستگیری محمود صالحی اعتراض کرده و با خواست آزادی فوری و بی قید و شرط وی، از حقوق انسانی خود به دفاع بر خیزند.

همچنین ما امضاء کنندگان این بیانیه از همه سازمان های کارگری در سراسر دنیا می‌خواهیم تا در آستانه اول ماه مه از حقوق برسمیت شناخته شده بین المللی کارگران در برگزاری آزادانه مراسم اول ماه مه در ایران حمایت کرده و به طور یک پارچه ای خواهان آزادی محمود صالحی شوند.

هیئت موسس اتحادیه سراسری کارگران اراچی و بی کار، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، کارگران نساجی شاهو، کارگران نساجی کردستان، جمعی از کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، جمعی از کارگران کارخانه پرریس، جمعی از کارگران اراچی آلمین، جمعی از کارگران پتروشیمی کرمانشاه، جمعی از کارگران عسلویه، کارگران گرداننده سایت شورا. ۱۳۸۵/۱/۲۱»

شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری نیز در بیانیه شماره یک خود چنین نوشته اند:

«اول ماه مه روز جهانی کارگر را هرچه با شکوه تر برگزار کنیم. برگزاری مراسم در روز اول ماه مه، روز جهانی کارگرحق مسلم طبقه کارگر است. ما نیز مراسم این روز را هرچه با شکوه تر برگزار خواهیم کرد. از همه کارگران می‌خواهیم که در این مراسم شرکت کنند، تا فریاد اعتراض مان علیه تهاجم سرمایه به شرایط کار و زندگي کارگران را از قبیل پرداخت به غایت نازل دستمزدها و عدم پرداخت حقوق و دستمزدهای معوقه کارگران، قراردادهای موقت کار، بی کارسازی و اخراج کارگران، گرانی و تورم لجام گسیخته به گوش همه مردم آزادی خواه و عدالت طلب ایران و جهان برسانیم.

شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری عبارتند از: کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری، کمیته پیگیری ایحاد تشکل های آزاد کارگری، اتحاد کمیته های کارگری، انجمن فرهنگی حمایتی کارگران، جمعی از دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب دانشگاه های ایران، جمعی از فعالین کارگری، گروهی از نویسندگان جنبش کارگری، ۱۳۸۶/۱/۹

shorayehamkari@gmail.com

یا این که تعدادی از فعالین کارگری با راه انداختن وبلاگی به نام «محمود صالحی آزاد باید گردد»، از جمله نوشته اند:

«کارگران و مردم آزادی خواه؛ ما جمعی از کارگران و فعالین کارگری ضمن محکوم کردن دستگیری محمود صالحی فعال کارگری و یکی از رهبران جنبش کارگری ایران خواستار آزادی بی قید و شرط وی بوده و به همین مناسبت ایجاد کمیته ای به نام کمیته دفاع از محمود صالحی را در دستور کار خود قرار داده که از امروز مورخه بیست و هفتم فروردین هشتاد و شش فعالیت علنی خود را از طریق این وبلاگ آغاز می‌کند و از کلیه کارگران و فعالین کارگری و دانش جویان، معلمان، پرستاران، نویسندگان، شاعران، روزنامه نگاران و کلیه انسان های عدالت خواه و برابری طلب می‌خواهیم که با اعتراض و تجمعات خواهان آزادی محمود صالحی و الغای کلیه احکام صادره برای فعالین کارگری و دیگر فعالین در بند باشیم.

اعضای کمیته دفاع از محمود صالحی عبارتند از: ۱- نه به ز نصراللهی ۲- بهزاد سهرابی ۳- برهان سعیدی ۴- مجید حمیدی ۵- حسن زارعی ۵- شیث اماتی ۶- شجاع ابراهیمی ۷- عبدالله خیرآبادی ۸- سارا گله داری ۹- جلال شریعتی ۱۰- فرهاد زند کریمی ۱۱- افشین فرهادی ۱۲- حسین قادری ۱۳- امید زارعی ۱۴- بهزاد گویلی ۱۵- اسد کریمی ۱۶- خالد سواری ۱۷- اسماعیل کاظمی ۱۸- ابراهیم وکیلی ۱۹- شمس الدین مرادی ۲۰- محمد نعمتی ۲۱- فردین نگهدار ۲۲- آمانج خالصی ۲۳- هومن سیفی ۲۴- صدیق کریمی ۲۵- نجیبه صالح زاده ۲۶- وفا قادری ۲۷- منصور محمدی ۲۸- شریف ساعد پناه ۲۹- سهیلا گله داری ۳۰- عمر مینایی ۳۱- حسن مفاخری ۳۲- حسن وزیری ۳۳- محمد عبدی پور ۳۴- جمال احمدی ۳۵- کیومرث اویسی ۳۶- عثمان رحمانی ۳۷- یاسین رحمانی ۳۸- هادی تنومند ۳۹- فارس گویلان ۴۰- ادریس خداکرمیان ۴۱- رامین کریمی ۴۲- صلاح زمانی: <http://kdmahmodsalehi.blogfa.com>

بدین ترتیب، ابتکارات جالبی در کمپین آزادی محمود صالحی و مراسم مستقل اول ماه مه، به خرج داده می شود، نشان دهنده یک جنبش اجتماعی واقعی است. نمونه های بالا، تنها گوشه هایی از یک حرکت وسیع اعتراضی در داخل کشور است. در خارج کشور نیز همه نیروهای مدافع جنبش کارگری و سوسیالیستی، کمپین گسترده ای را در کشورهای غرب با هدف محکوم کردن جنایات حکومت اسلامی ایران، آزادی فوری محمود صالحی و آزادی برگزاری مراسم غیردولتی اول ماه مه و جلب حمایت و پشتیبانی کارگران و مردم آزادی خواه جهان از جنبش کارگری ایران راه انداخته اند.

شکی نیست که در جامعه ایران و خارج کشور، پتانسیل بالای مبارزاتی علیه هرگونه سرکوب و ستم و استعمار جمهوری اسلامی و به ویژه اعتراض به این احکام غیرانسانی بی دادگاه های تفتیش عقاید حکومت اسلامی، در کلیه تشکل های کارگری، زنان، جوانان و دانش جویان، نویسندگان و روزنامه نگاران پیشرو و آزادی خواه وجود دارد و تاکنون نیز در جهت آزادی محمود صالحی و معلمان و زنان و دانش جویان دربند صدها اطلاعیه صادر و ده ها مصاحبه رادیویی و جلسات پاکتاکسی برگزار شده است و مقالات زیادی نیز در حمایت و پشتیبانی از دستگیرشدگان اول ماه مه سقز و لغو احکام غیرانسانی آن ها منتشر شده است.

بدون شک، اعتراضات گسترش خواهد یافت و مهمتر از همه این امید و چشم انداز وجود دارد که تشکل های مستقل جنبش کارگری ایران، اقدامات مشخص تری را سازمان دهی کنند و نیروهای آزادی خواه و سوسیالیست خارج کشور نیز هم زمان با این اعتراضات حرکت های موثری را در کشورهای اسکانیناوی، اروپایی، آمریکای شمالی و استرالیا، به طور مشترک با تشکل های کارگری و سازمان های سوسیالیستی این جوامع در مقابل سفارتخانه ها و دیگر مراکز جمهوری اسلامی، مقابل فدراسیون های کارگری، میدین شهرها و به ویژه تدارک آکسیون بزرگی در مقابل سازمان جهانی کار (ای.ال.او) سازمان دهی و برگزار کنند.

برای گسترش کمپین آزادی محمود صالحی و مراسم اول ماه مه در ایران، باید در دو عرصه معین، یعنی از یک سو تبلیغات سیاسی وسیع با به کارگیری از کلیه امکانات موجود در جهت افشای احکام غیرانسانی جمهوری اسلامی و افکارسازی پیرامون آن و از سوی دیگر با تشکل های کارگری و جریانات سوسیالیستی غرب، در ارتباط تنگاتنگ و پیگیر بود.

خواست اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی از «ای.ال.او» را باید با تشکل های کارگری رادیکال عضو فدراسیون های کارگری در میان گذاشت تا در کنفرانس های سراسر کشوری خود مطرح و از این طریق به کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار ببرند.

همچنین از سازمان های چپ و سوسیالیست پارلمان های کشورهای غرب خواست که پیشنهاد محکومیت جمهوری اسلامی را به پارلمان هایشان ببرند و از این طریق آن را در کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا مطرح سازند تا جمهوری اسلامی را محکوم و اودار به عقب نشینی نمایند. با نهادهای بین المللی مانند امنستی، روزنامه نگاران بدون مرز، وکلای بدون مرز و دیگر نهادهایی که برای آزادی زندانیان سیاسی، لغو شکنجه و اعدام فعالیت می کنند، در این مورد وارد بحث و گفتگو شد. همچنین از اتحادیه های کارگری و یا از ونلای بدون مرز، خواسته شود تا وکلای آن ها به طور سمبلیک هم شده وکالت محمود صالحی را به عهده بگیرند. اگر حکومت اسلامی به این وکلا ویزای سفر به ایران صادر نکند که به احتمال زیاد نخواهد کرد، امر آزادی محمود صالحی و نقض قوانین کار توسط حکومت اسلامی را در مجامع بین المللی کارگری به ویژه سازمان بین المللی کار پیگیری کنند.

بدین ترتیب، نه تنها باید یک کمپین گسترده تبلیغی علیه حکومت جمهوری اسلامی برای آزادی فوری و بی قید و شرط محمود صالحی و لغو احکام ضدانسانی و ضدکارگری راه انداخت، بلکه اساسا باید جمهوری اسلامی را به هزار و یک دلیل سیاسی، اجتماعی و حقوقی مانند اعمال سیاست ها و قوانین ضدکارگری، مخالفت با برگزاری مراسم های مستقل روز

جهانی کارگر، محروم کردن طبقه کارگر از آزادی تشکل مستقل، تجمع، اعتصاب و بیان، عدم پرداخت دستمزدهای معوقه کارگران، کشتار کارگران اعتصابی خاتون‌آباد، استثمار وحشیانه نیروی کار، کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی، ترور و قتل نویسندگان و مخالفین، سرکوب سیستماتیک زنان، به بهره‌کشی وادار کردن کودکان، بی‌حقوق کودکان و نوجوانان، سرکوب دانش جویان، دستگیری معلمان معترض، آفریدن فضای رعب و وحشت و ترور در جامعه، اعمال وحشیانه ترین شکنجه ای روحی و روانی بر زندانیان سیاسی و اعدام، و به دلیل این که بخش عظیم جامعه ایران را در معرض فقر و فلاکت اقتصادی و انواع و اقسام آسیب ها و بحران های اجتماعی قرار داده است را از قدرت برکنار کرد تا حکومت در اختیار طبقه ای که اکثریت جامعه را نمایندگی می کند و همواره چرخ تولید نیازهای اجتماعی را می چرخاند، یعنی طبقه کارگر متشکل و متحد و آگاه قرار گیرد.

از سوی دیگر نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی ایران، در روزهای اخیر ده ها فعال حرکت های اعتراضی معلمان، دانشجویان، زنان و کارگران را دستگیر کرده است.

در شرایطی که فقر و فلاکت و اختناق سیاسی از یک سو و ترس از حمله نظامی آمریکا و متحدانش و زندگی را بر اکثریت مردم ایران، به ویژه کارگران تلخ و دشوار ساخته است، حکومت اسلامی ایران، از ترس و وحشتی که از گسترش جنبش های اجتماعی برابری طلب و در پیشاپیش همه طبقه کارگر متحد و متشکل و آگاه قرار گیرد، سرکوب وحشیانه فعالین و دست اندرکاران این جنبش ها را تشدید کرده است.

بنا به گزارش های منتشر شده، ساعت ۵ بعد از ظهر روز شنبه ۲۵ فروردین تعدادی از کارگران سندیکای خبازان سقز در اعتراض به دستگیری محمود صالحی در محل این سندیکا تجمع نموده در مورد چگونگی برخورد به این حکم ظالمانه به تبادل نظر می پردازند.

کارگران تصمیم می گیرند که در اعتراض به این حکم ساعت ۵ تا ۳۰:۵ دقیقه بعد از ظهر روز دوشنبه در مقابل دفتر شرکت تعاونی این شهر که محمود صالحی مسئول آن است به نشانه همبستگی با ایشان و اعتراض به حکم بازداشتش تجمع کرده، سکوت اختیار نمایند.

روز یکشنبه مسئولین اطلاعات جمهوری اسلامی از این تصمیم و برگزاری تجمع در روز دوشنبه مطلع می شوند. مسئولین اطلاعات به محمد عبدی پور، از فعالین کارگری و از همراهان محمود صالحی که در اول ماه مه ۸۳ دستگیر شده بود زنگ زده و از او درخواست خودداری از شرکت در تجمع یاد شده را می نمایند. عبدی پور، در مقابل سنوال آن ها که آیا در این تجمع شرکت خواهد کرد جواب می دهد: "بله به این تجمع می روم"، مسئولین اطلاعات تهدید می کنند که حتما بازداشت می شوید.

روز دوشنبه ۲۷ فروردین جلال حسینی، یکی دیگر از فعالین شناخته شده کارگری به دادستانی فراخوانده می شود. از او سنوال می شود آیا در تجمع امروز بعد از ظهر شرکت می کنید، با توجه به این که حکم تعلیقی دارید؟ ایشان در جواب می گوید در محل کار خود حاضر می شوم اما در تجمع شرکت نمی کنم. مسئولین دادستانی از جلال درخواست می کنند که بعد از بازگشت خود به محل کارش محمد عبدی پور را به نزد آن ها بفرستد او در جواب می گوید که عبدی پور سر کار است و تا ساعت ۴ نمی تواند دست از کار بکشد.

بنا به درخواست دادستانی سقز محمد عبدی پور، ساعت ۴ به آن جا می رود. در دادستانی از ایشان سنوال می کنند آیا در تجمع ساعت ۵ امروز شرکت می کنید؟ عبدی پور جواب می دهد بله شرکت می کنم. دادستان در همان جا حکم بازداشت نامبرده را صادر می کند و می گوید شما تا پایان تجمع بازداشت هستید. ساعت ۵ بعد از ظهر ده ها تن از کارگران در اعلام همبستگی با محمود صالحی و در مخالفت با حکم زندانی کردن ایشان در جلو شرکت تعاونی تجمع می کنند. لحظاتی قبل از ساعت ۵ تعداد زیادی نیروهای رژیم در چهار راه، جلو گاراژ، میدان شهدا و محل تجمع کارگران مستقر می شوند که در میان آن ها چهار خواهر زینب با دستبند نیز حضور داشتند که به منظور دستگیری زنان در این تجمع از آنها استفاده می شد.

یکی از فرماندهان نیروهای انتظامی و اطلاعاتی به میان کارگران رفته و از کارگران سنوال می کند نماینده شما کیست؟ فردی به اسم سروان بابایی می گوید: محمود در زندان است، جلال در محل کارش می باشد و اجازه بیرون آمدن ندارد، محمد عبدی پور نیز نزد دادستانی در بازداشت است و این عده نماینده ندارند. در این لحظه سامرند صالحی، فرزند محمود صالحی اعتراض می کند سرهنگ مذکور بلافاصله دستور بازداشت ایشان را صادر می کند. بعد از دستگیری سامرند صالحی ماموران جمهوری اسلامی به تجمع کارگران یورش برده و بیش از ۲۰ نفر از آن ها را بازداشت می کنند.

شایان ذکر است که یکی از مزدوران محلی به اسم "علا کرمی" وارد محل کار جلال حسینی شده و می گوید که قصد کشتن شما را دارم و به ضرب و شتم جلال میپردازد به طوری که فک جلال دچار صدمه جدی شده و در وضعیت جسمی بدی به سر می برد.

همچنین روز یکشنبه ۲۶ فروردین ماه ماموران اطلاعات و نیروی انتظامی حکومت اسلامی در شهر سنندج، ضمن یورش به محله "غفور" اقدام به بازرسی منازل مردم نموده اند.

در جریان یورش نیروهای حکومت اسلامی به محله غفور، که دلیل آن تاکنون مشخص نشده است، ماموران برخی از اموال مردم را تخریب و برخی دیگر را به غارت برده و شماری از ساکنین این محله را نیز بازداشت و به مکان های نامعلومی منتقل کرده اند.

بدین ترتیب، حق طبیعی کارگران است که با اتکاء به روابط و مناسبات شورایی حکومت خود را تشکیل دهند و از این طریق بلافاصله به همه بی حقوقی ها و سیاست های غیرانسانی و فاشیستی و وحشیانه ای خاتمه دهند و مهمتر از همه در جهت لغو مالکیت خصوصی، کار مزدی و برقراری جامعه اشتراکی کمونیستی، گام های سریع بردارند تا کل جامعه بشری را از هرگونه تبعیض، ستم و استثمار رها سازند. جهانی برابر و انسانی برپا دارند که در آن هر کس به اندازه نیازش سهم ببرد.

سامرند صالحی، فرزند محمود صالحی، با انتشار نامه ای در تاریخ ۲۰-۱-۱۳۸۶، از جمله نوشته است: «... دوستان هدف جمهوری اسلامی از اجرای حکم به این شکل تنها زندانی کردن پدرم نیست بلکه چیزی که در این میان آشکار است ترس مسئولان از برگزاری مستقل روز جهانی کارگر امسال در سقز است.

... با این اوصاف من از همه شما کارگران، مردم آزادی خواه جهان، نهادهای مدافع حقوق بشر، وکلای بدون مرز، حقوق دانان و انسان های آزادی خواه می خواهم که به حکم محکومیت پدرم و اجرای حکم اعتراض و پدرم را که جرمی جز دفاع از خود و دیگر هم طبقه ای هایش ندارد مورد حمایت قرار دهید. ما هم می خواهیم از یک زندگی شایسته انسان امروز بر خور دار باشیم!»

مبارزه برای آزادی فوری و بی قید و شرط محمود صالحی، با قدرت اجتماعی کارگران و مردم آزادی خواه و همچنین مراسم غیردولتی و آزادانه اول ماه، روز جهانی کارگران، هر چه گسترده تر و با شکوه تر برگزار گردد، جواب شایسته توده های میلیونی خواهان تغییر نظم موجود و عدالت خواه و آزادی خواه و برابری طلب به سران ستم گر و استثمارگر حکومت اسلامی ایران است.

پیشاپیش فرارسیدن روز جهانی کارگر را به همه کارگران و همه مردم برابری طلب تبریک می گوئیم.

* برگرفته از جهان امروز شماره ۱۸۸، نیمه دوم فروردین ۱۳۸۶ نیمه دوم آوریل ۲۰۰۷